

بسمہ ابرہہ علیہ

مدیریت جهادی در بیانات رهبر معظم انقلاب

مدیریت جهادی در بیانات رهبر معظم انقلاب

فرهنگ جهادی

آبان ماه ۱۴۰۱

توشه شماره ۴۶



آشنایی با منظومه فکر و اقدامات مقام معظم رهبری

@shenakhte_rahbari

بسم الله الرحمن الرحيم

مدیریت جهادی در بیانات رهبر معظم انقلاب

- فرهنگ جهادی ۶
۱. تعریف فرهنگ جهادی ۶
۲. شخصیت‌های جهادی الگو ۱۴
۱. تعریف کار جهادی ۲۵
۲. عرصه‌های جهاد و کار جهادی ۲۸
۳. شاخصه‌های کار جهادی: ۳۱

فرهنگ جهادی

۱. تعریف فرهنگ جهادی

آنچه انقلاب اسلامی به مردم ما داد، «فرهنگ جهادی» بود. فرهنگ جهادی در همه‌ی صحنه‌ها و عرصه‌ها به کار می‌آید و در زمینه‌ی کارهای زیربنایی کشاورزی و دامداری و امثال این‌ها هم از اوّل انقلاب، روح و فرهنگ جهادی وارد میدان شد. بعضی از صاحب‌نظران در باره‌ی انقلاب‌های دنیا این‌طور اظهار نظر کرده‌اند که انقلاب‌ها بعد از آنکه به پیروزی رسیدند، سیال بودن و جوشندگی و تحرّک و پیشرفت آن‌ها از بین می‌رود و به دستگاه‌های ایستا و بی‌تحرّک تبدیل می‌شوند. ممکن است در برخی از انقلاب‌ها همین‌طور باشد- ما نسبت به آن‌ها قضاوتی نمی‌کنیم- اما در مورد انقلاب ما پدیده‌ای دیده شد که این فرضیه را از کلیّت انداخت و در اینجا غلط از آب درآمد؛ زیرا خودِ انقلاب دستگاه‌هایی را به وجود آورد که در ذاتشان حرکت و جوشش انقلابی و سریع و جهادی وجود داشت. یکی از دستگاه‌ها جهاد سازندگی بود، یکی از دستگاه‌ها سپاه بود، یکی از دستگاه‌ها بسیج بود. این‌ها

دستگاه‌هایی هستند که شکل اداری و ثابت و ایستا و متحجر و منجمد نداشتند. و لو سازماندهی و تشکیلات و نظم در این‌ها وجود داشت، اما همان حالت حرکت، پیشرفت و جهش که در خود انقلاب موجود بود، در این‌ها هم وجود داشت و ما اثرش را هم در بیرون دیدیم. در دفاع هشت‌ساله، بسیج و تحرک مردم را دیدید. در میدان کار و سازندگی و پیشرفت، روحیه‌ی جهادی را دیدید، که البته مخصوص جهاد سازندگی هم نماند؛ این روحیه در بسیاری از دستگاه‌ها رسوخ کرد. امروز هم شما در کمک‌رسانی به بزم همین روحیه را مشاهده می‌کنید. این روحیه در همه جای دنیا نیست. مهربانی و همکاری و دلسوزی برای مصیبت‌دیدگان - که مربوط به همه‌ی بشر است - یک حرف است؛ اما جوشش و تحرک و نشاط و ورود در میدان، بدون هیچ ترتیب آداب، برای خدمت کردن، یک حرف دیگر است. آنچه در ایران دیده شد، این بود: همه وارد میدان شدند و تحرک پیدا کردند. بنده در سال‌های قبل از انقلاب، حوادثی مثل زلزله و سیل را از نزدیک دیده بودم. خود من رفتم امدادگری و خدمتگزاری کردم. این روحیه‌ی حرکت عمومی، این دلسوزی، این ورود در صحنه‌ی کار و ابتکار، این کمک‌رسانی انبوه، مخصوص ملتی است که دل او از حرکت جهادی گرم است و جوشش جهادی در دل او وجود دارد. این همان روحیه‌ی بسیج دوران دفاع مقدس است؛

این همان روحیه‌ی سنگرسازان بی‌سنگر جهاد سازندگی است که غسل شهادت می‌کردند، روی بولدور می‌نشستند تا خاکریز بزنند. ما این روحیه را باید حفظ کنیم. این روحیه با کار علمی و نظم تشکیلاتی هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه اتفاقاً کار علمی را هم همین روحیه‌ی جهادی بهتر می‌کند.

من به شما عرض کنم؛ ما پیشرفتهای علمی و پژوهشی بسیار زیادی در بخشهای مختلف داشته‌ایم که ستون اصلی این بخشها را همین جوانان انقلابی و بچه‌های مؤمن تشکیل داده‌اند. آنها بودند که وارد میدان شدند و بر اساس همان روحیه، بسیاری از گردنه‌ها و عقبه‌های تحقیقات و کار مهم علمی را پیش بردند. بله؛ معنویت، دنیای انسان را هم آبادتر می‌کند؛ منتها دنیای سالم. آنجایی که فرهنگ جهادی نیست و فرهنگ مادی حاکم است، هر انسانی به تنهایی خودش محور همه‌ی حوادث عالم است؛ سود را برای خود می‌خواهد و ضرر را از خود دفع می‌کند. اصل برای او این است؛ لذا تعارضها و بی‌اخلاقی‌ها و بی‌صدافتی‌ها و دشمنیها پیش می‌آید. آنجایی که حرکت و روح جهادی وجود دارد، انسان

در ایمان و آرمان و خدمت به دیگران حل می‌شود و خود را فراموش می‌کند. این روحیه را باید در جامعه تقویت کرد.^۱

اگر از عوامل معنوی و آنچه خدای متعال وعده‌ی آن را به مؤمنان و مجاهدان راه حق داده است هم صرف‌نظر کنیم، بر حسب قوانین عادی زندگی جوامع بشری، هر جامعه‌ای عزتش، قدرتش، آبرو و حیثیتش، هویتش بستگی دارد به مجاهدت و به تلاش. با تنبلی و تن‌آسایی، هیچ ملتی نمیتواند مقام شایسته‌ای را در میان ملت‌های عالم یا در تاریخ پیدا کند. آنچه که ملت‌ها را، هم در تاریخ و هم در دوران خودشان، در میان ملت‌های عالم سر بلند میکند، مجاهدت است، تلاش است. این تلاش، البته شکلهای گوناگونی دارد؛ هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم تلاش به معنای تعاون اجتماعی میان افراد، همه لازم است؛ اما در رأس همه‌ی این تلاش‌ها، آمادگی برای جان‌فشانی است که یک ملت را در میان ملت‌ها سرافراز میکند. اگر در میان هر ملتی کسانی وجود نداشته باشند که آماده باشند از جان خود، از راحت

۱. بیانات در دیدار جهادگران و کشاورزان ۱۴/ ۱۰/ ۱۳۸۲

خود، در راه رسیدن به آرمانها صرف‌نظر کنند، آن ملت به جایی نخواهد رسید. کاری که انقلاب برای ما مردم ایران انجام داد، این بود که این راه را در مقابل ما روشن کرد؛ آحاد ملت ما فهمیدند و احساس کردند که باید در راه آرمانهای بلند، مجاهدت کنند و در مقابل دشمنان این آرمانها بایستند؛ و ایستادند.^۲

یکی از چیزهایی که برای تشکّلها به نظر من خیلی لازم است و خوب است، فهم وضع کنونی کشور است. وضع کشور، منظور فقط وضع داخلی و مشکلات موجود و همین مطالبی که گفتند -مسائل مربوط به روستاها، عدالت‌خواهی، اقتصاد مقاومتی، مشکلاتی که هست، مشکلات مدیریتی، مدیریت جهادی و مانند اینها- نیست؛ اینها البته جزئی از واقعیتها است.^۳

۲. بیانات در یادمان شهدای شرق کارون ۱۳۹۳/۰۱/۰۶.

۳. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۰۴/۲۰.

مشاهده پیشرفت کشور در بخشهای با مدیریت جهادی

سال ۹۳ هم در عرصه‌ی داخلی و هم در عرصه‌ی خارجی و بین‌المللی برای کشور ما سال پرماجرایی بود؛ چالش‌هایی داشتیم، پیشرفتهایی هم داشتیم؛ ما در اوّل سال ۹۳ با توجّه به همین چالش‌ها بود که عنوان سال را گذاشتیم «عزم ملّی و مدیریت جهادی». با نگاهی به آنچه در سال ۹۳ گذشت، مشاهده می‌کنیم که عزم ملّی بحمدالله بُروز و ظهور داشت. ملّت ما عزم راسخ خود را هم در تحمّل برخی مشکلاتی که برای او وجود داشت نشان داد، هم در روز بیست‌ودوّم بهمن، در روز قدس و در راهپیمایی عظیم اربعین این عزم را، این همت را از خود بُروز داد و نشان داد. مدیریت جهادی هم در برخی از بخش‌ها بحمدالله بارز و آشکار بود. در آن بخش‌هایی که مدیریت جهادی را انسان مشاهده کرد، پیشرفتها را هم در آنجا مشاهده کردیم. این البته توصیه‌ی مخصوص سال ۹۳ نیست، هم عزم ملّی و هم مدیریت جهادی برای امسال و برای همه‌ی سالهای پیش‌رو برای ملّت ما مورد نیاز است.^۴

۴. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۴/۱/۰۱.

مسئله مدیریت جهادی توصیه ای به همه مراکز بنده توصیه‌ی مکرر میکنم به مسئولین محترم قوای سه‌گانه که جلساتشان را به‌طور مرتب داشته باشند؛ خیلی از مسائل در این جلسات مشترک حل میشود: جلسات دولت و مجلس، جلسات قوه‌ی قضائیه و دولت، جلسات قوه‌ی قضائیه و مجلس؛ این دیدارها، این تبادل نظرها، این استفاده‌ی از نظرات یکدیگر، موجب هم‌افزایی است. و مسئله‌ی مدیریت جهادی؛ این توصیه مربوط به همه است.^۵

مدیریت جهادی: کمک به حرکت کشور با در نظر گرفتن باید دشمن را شناخت، دید - حالا [اینکه] شما می‌گویید برخوردان با دشمن این جور باشد، آن جور نباشد، بحث دیگری است - دشمنی او را باید فهمید، نقشه‌ی او را باید تشخیص داد. یکی از نقشه‌های مهم دشمن، متوقف کردن حرکت علمی در کشور است. خب، وقتی این را فهمیدیم، برمیگردیم به دانشگاه؛ اینجا آن مدیریت جهادی که ما عرض کردیم، معنا

۵. بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۳/۰۴/۱۶

پیدا میکند. چون جهاد عبارت است از تلاشی که در مقابل یک دشمنی ای انجام میگیرد؛ هر جور تلاشی جهاد نیست. جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصمانه از سوی طرف مقابل صورت میگیرد؛ این جهاد است. آنوقت معنای مدیریت جهادی در اینجا این است که توجّه بکنید که حرکت علمی کشور و نهضت علمی کشور و پیشرفت علمی کشور مواجه است با یک چالش خصمانه، که در مقابل این چالش خصمانه شما که مدیریت، شما که استادی، شما که دانشجو هستید، باید بایستید؛ این شد حرکت جهادی و مدیریت دستگاه؛ چه مدیریت دانشگاه، چه مدیریت وزارت، چه مدیریت هر بخشی از بخشهای گوناگون این عرصه‌ی عظیم، خواهد شد مدیریت جهادی.^۶

۶. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۳/۴/۱۱

۲. شخصیت‌های جهادی الگو

الف) پیامبران الهی

برای یک مجموعه‌ی مسلمان، مجموعه‌ی مؤمن مهم است که به خدا حسن ظن داشته باشد، بداند که خدا کمک‌کار اوست، بداند که خدا پشت سر رهپویان راه حق است. وقتی دلها قرص شد، گامها هم محکم می‌شود؛ وقتی گامها استوار شد، راه به‌آسانی طی می‌شود، به هدف نزدیک می‌شود.

همیشه دشمنان اسلام خواسته‌اند دل مسلمانان را مشوش و مضطرب کنند. در طول تاریخ اسلام موارد زیادی پیش آمده است، قبل از اسلام هم در مورد حرکت‌های عظیم جهادی پیامبران قبل از نبی مکرم، مؤمنینی که توانستند ایمان خودشان را استوار نگه دارند، آرامش روحی پیدا کردند. این آرامش روحی حرکات آن‌ها را در اختیار جهت‌ایمانی قرار داد؛ مشوش نشدند، مضطرب نشدند، راه را گم نکردند؛ چون در حال تشویش و اضطراب، پیدا کردن راه

درست دشوار می‌شود. انسانی که از آرامش روحی برخوردار است، درست فکر می‌کند، درست تصمیم می‌گیرد، درست حرکت می‌کند. این‌ها نشانه‌های رحمت الهی است.^۷

(ب) پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)

اینکه در آثار و تواریخ هست که کنگره کاخ کسری شکست و نشانه‌های بت‌پرستی و شرک در گوشه و کنار دنیا متزلزل شد، اگر این آثار قطعیت داشته باشد، شاید همان قدرت‌نمایی الهی است، برای اعلام رمزی حضور این قدرتی که قرار است همه‌ی پایه‌های ظلم و فساد را درهم بشکند و علم را از خرافه و تمدن را از فساد و ظلم، پاک و آراسته کند. این کار را پیغمبر بزرگوار ما کرد. این مولود مقدس، در هنگام بعثت بزرگ خود، با چنان دنیایی روبه‌رو شد و با جهادی بسیار دشوار، انسانیت را از جهل، از خرافات، از فساد، از ظلم، از تعصبات دودمان برانداز، از زورگویی انسانها به یکدیگر و ستم انسانها و سوار شدن آن‌ها بر دوش

۷. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۸۸/۰۳/۲۹

یکدیگر، جلوگیری کرد. اصلاً بساط بشریت را دگرگون کرد. یک بساط جدید و یک وضع جدید را در دنیا به وجود آورد.^۸

(ج) امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

امیر المؤمنین در دوره‌های مختلف عمر و در شرایط و اوضاع مختلف، هر جا که قرار گرفت، همه‌ی وجود خود را به بهترین وجهی در راه اهداف عالیّه خرج کرد. شما امیرالمؤمنین را به عنوان یک جوان شانزده تا نوزده ساله در مکه، یا اوایل ورود به مدینه - که باز هم این بزرگوار، یک جوان بیست و چند ساله بود - در نظر بگیرید؛ در دوره‌های مختلف عمر این بزرگوار نگاه کنید؛ ببینید این جوان، حقیقتاً برای بهترین جوانان همه‌ی زمانها، برترین الگوست. از شهوات جوانی، لذات دنیایی، زیباییهایی که در نظر جوانان ارزش پیدا می‌کند، هیچ نمی‌خواهد، مگر آن هدف عالی و والایی که بعثت نبی اکرم به خاطر آن هدف است.

۸. بیانات در دیدار مسئولان و قشرهای مختلف مردم در روز «ولادت پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع)» ۱۴/

تمام وجود او در خدمت این هدف است. همه چیز برای او در درجه‌ی دوم است. این چیز خیلی عظیمی است که یک جوان، یک لحظه هم به دنیا و شیرینیها و لذتهای دنیا التفات نکند و جوانی، نیرو، نشاط و روحیه خود، یعنی همه‌ی آن چیزیهایی را که از طراوت و زیبایی و تازگی در جوان هست، در راه خدا مصرف کند. این حد اعلاست. چیزی از این بالاتر، حقیقتاً نمی‌شود.^۹

امام صادق زبان به ستایش امیرالمؤمنین گشود و آن‌چنان که مناسب او بود، امیرالمؤمنین را مدح کرد. از جمله چیزهایی که گفت، اینهاست... «مَا نَزَلَتْ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَارِلُهُ قَطُّ إِلَّا قَدَمَهُ فِيهَا ثِقَةٌ بِهِ»؛ هر وقت مسأله‌ی مهمی برای پیامبر پیش می‌آمد، پیامبر او را صدا می‌کرد و جلو می‌انداخت؛ به خاطر این که به او اعتماد داشت و می‌دانست که او را خوب عمل می‌کند؛ ثانیاً از کار سخت سرپیچی ندارد؛ ثالثاً آماده‌ی مجاهدت در راه خداست. مثلاً در «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ» - آن شبی که پیامبر مخفیانه از مکه به مدینه آمد - یک نفر باید

۹. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد مسعود مولای متقیان علی علیه‌السلام ۱۳۷۵ / ۰۹ / ۰۵

آنجا در آن رختخواب می‌خوابید. پیامبر علی را جلو انداخت. در جنگها، امیرالمؤمنین را جلو می‌فرستاد. در کارهای مهم - هر مسأله‌ی اساسی و مهمی که پیش می‌آمد - علی را جلو می‌انداخت: «ثِقَّةُ بِهِ»؛ چون اطمینان داشت و می‌دانست که او بر نمی‌گردد؛ نمی‌لرزد و خوب عمل خواهد کرد.^{۱۰}

(ج) فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)

شخصیت زهرا‌ی اطهر، در ابعاد سیاسی و اجتماعی و جهادی، شخصیت ممتاز و برجسته‌ای است؛ به طوری که همه‌ی زنان مبارز و انقلابی و برجسته و سیاسی عالم می‌توانند از زندگی کوتاه و پُر مغز او درس بگیرند. زنی که در بیت انقلاب متولد شد و تمام دوران کودکی را در آغوش پدری گذراند که در حال یک مبارزه‌ی عظیم جهانی فراموش نشدنی بود. آن خانمی که در دوران کودکی، سختیهای مبارزه‌ی دوران مکه را چشید، به شعب ابی طالب برده شد،

^{۱۰}. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

گرسنگی و سختی و رعب و انواع و اقسام شدت‌های دوران مبارزه‌ی مکه را لمس نمود و بعد هم که به مدینه هجرت کرد، همسر مردی شد که تمام زندگیش جهاد فی سبیل الله بود و در تمام قریب به یازده سال زندگی مشترک فاطمه‌ی زهرا و امیر المؤمنین (علیهما السلام)، هیچ سالی، بلکه هیچ نیم سالی نگذشت که این شوهر، کمر به جهاد فی سبیل الله بسته و به میدان جنگ نرفته باشد و این زن بزرگ و فداکار، همسری شایسته‌ی یک مرد مجاهد و یک سرباز و سردار دایمی میدان جنگ را نکرده باشد.

پس، زندگی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)، اگرچه کوتاه بود و حدود بیست سال بیشتر طول نکشید؛ اما این زندگی، از جهت جهاد و مبارزه و تلاش و کار انقلابی و صبر انقلابی و درس و فراگیری و آموزش به این و آن و سخنرانی و دفاع از نبوت و امامت و نظام اسلامی، دریای پهناوری از تلاش و مبارزه و کار و در نهایت هم شهادت است. این، زندگی جهادی فاطمه‌ی زهراست که بسیار عظیم و فوق‌العاده و حقیقتاً بی‌نظیر است و یقیناً در ذهن بشر- چه امروز و چه در آینده- یک نقطه‌ی درخشان و استثنایی است.

اما مقام معنوی این بزرگوار، نسبت به مقام جهادی و انقلابی و اجتماعی او، باز به مراتب بالاتر است. فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) به صورت، یک بشر و یک زن، آن هم زنی جوان است؛ اما در معنا، یک حقیقت عظیم و یک نور درخشان الهی و یک بنده‌ی صالح و یک انسان ممتاز و برگزیده است...

اسلام، فاطمه - آن عنصر برجسته و ممتاز ملکوتی - را به عنوان نمونه و اسوه‌ی زن معرفی می‌کند. آن، زندگی ظاهری و جهاد و مبارزه و دانش و سخنوری و فداکاری و شوهرداری و مادری و همسری و مهاجرت و حضور در همه‌ی میدانهای سیاسی و نظامی و انقلابی و برجستگی همه‌جانبه‌ی او که مردهای بزرگ را در مقابلش به خضوع وادار می‌کرد، این هم مقام معنوی و رکوع و سجود و محراب عبادت و دعا و صحیفه و تضرع و ذات ملکوتی و

درخشندگی عنصر معنوی و همپایه و هم‌وزن و همسنگ امیر المؤمنین و پیامبر بودن اوست.^{۱۱}

(د) شهدا

هرآنچه که مربوط به وجود نورانی شهید است، شگفتی است. انگیزه‌ی او برای حرکت به سمت جهاد- که در دنیای مادی و در میان این همه انگیزه‌ی رنگارنگ جذاب، یک جوانی برخیزد، قیام لله کند و به سمت میدان مجاهدت حرکت بکند- این خود یک شگفتی است؛ پس از آن، تلاش او، در معرض خطر قرار دادن خود در میدانهای نبرد، کارهای برجسته‌ی او در میدانها، شجاعتها و شهامت‌هایی که هر سطری از آن می‌تواند یک سرمشق ماندگار و نورانی باشد هم یک شگفتی است؛ و پس از آن رسیدن به شوق وافر و کنار رفتن پرده‌ها و حجابهای مادی و دیدن چهره‌ی معشوق و محبوب- که در حرکات شهدا، در حرفهای

۱۱. سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از زنان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، کرمان، قم، قزوین، یزد، کرج و استانهای چهارمحال و بختیاری و مازندران ۱۳۶۸ / ۱۰ / ۲۶

شهدا و در روزهای نزدیک به شهادت، همیشه جلوه‌گر بود و نقلهای فراوانی در این زمینه هست- این هم یکی از شگفتیه‌هاست.^{۱۲}

ببینید جوانی چه ظرفیتی دارد! ببینید جوانی چه شور و شوق و عظمت و گنجایشی دارد! چطور می‌شود در جوانی، بالاترین مقامات معنوی را طی کرد؟! یک‌بار دیگر در زمان ما، در همین جبهه‌هایی که شما آن را تجربه کردید، این اتفاق افتاد. اینکه امام یک‌وقت فرمودند «این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید» به همین خاطر است. من چون خودم وصیت‌نامه‌ها را می‌خواندم و الآن هم هر وقت به دستم بیاید، می‌خوانم فهمیده‌ام که امام چرا این نکته را فرمودند. زیرا در این وصیت‌نامه‌ها، گاهی مطالبی وجود دارد که یک دنیا عرفان حقیقی و ناب است. یعنی حتی عرفای برخوردار از علوم دینی و علوم ظاهری، که طبعاً امکان عروج و رشدشان بیشتر است و قهرراً پاکیزه‌ترند نه یک عارف سالکی که معرفتی از لحاظ علوم دینی ندارد آنچه را که بعد از مثلاً چهل، پنجاه سال مجاهدت، در سن هفتادسالگی،

۱۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع جانبازان و ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان فارس ۱۳/۰۲/۱۳۸۷

هشتادسالگی احساس و درک و مشاهده می‌کنند، یک جوان به برکت فداکاری مخلصانه، در مدت چند ماه به دست می‌آورد. چیز عجیبی است! ببینید چطور نعمت الهی، بی‌دریغ به سمت دل‌های بااخلاص روانه می‌شود!^{۱۳}

امروز، به فضل همین شهادت‌ها و به برکت خون شهدا، ملت ما، ملت سربلند و آبرومندی است و ملت‌ها آبرو و عزت را این‌گونه باید پیدا کنند. قدرتهای استکباری، برای ملت‌های کشورهای امثال ما- کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای مستضعف- حق حیات و حق رأی و نظر قائل نیستند؛ حتی حق استفاده از منابع ثروت خودشان را هم قائل نیستند. با قدرتهای شیطانی، از سر ضعف و ذلت نمی‌شود وارد شد؛ چون به ضعیف رحم نمی‌کنند. باید هر ملتی خود را قوی کند و قدرت حقیقی خودش را پیدا نماید و این، جز به برکت اعتقاد و عمل در راه آن اعتقاد تا سرحد مجاهدت و شهادت، امکان‌پذیر نیست. این، کاری است که ملت و شهدای ما انجام دادند و دنیای استکبار و دولتهای متکبر را- نه انسانها و ملت‌ها، چون

۱۳. بیانات در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۷۶/۰۶/۲۶

آن‌ها با ما همراهند- وادار به پذیرش و تحمل اسلام و جمهوری اسلامی کردند. البته، از توپنه و اعمال دشمنی و مکر غافل نیستند. شما هم غافل نباشید.^{۱۴}

ببیند این جوان، این خانواده، این پدر و مادر، این هم‌تها و روحیه‌های عظیم و شکست‌ناپذیر، دنبال چه هدفی رفتند؟ آن هدف را از جان خودتان بیشتر محافظت کنید. شهدای ما برای خدا مجاهدت کردند؛ در راه خدا به شهادت رسیدند؛ برای حاکمیت دین خدا در کشور که مایه‌ی سعادت دنیا و آخرت است سختیها را تحمل کردند. پدران و مادران هم همین‌طور.^{۱۵}

۱۴ . سخنرانی در دیدار با فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان امور فرهنگی بنیاد شهید و گروهی از دانشجویان امامیه‌ی پاکستان ۱۳۶۸ / ۰۵ / ۲۵

۱۵ . بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح و جهاد سازندگی ۱۳۷۷ / ۰۷ / ۰۵

ب) کار جهادی

۱. تعریف کار جهادی

یکی از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی، که مصداقهای بارزش، بیشتر در تاریخ صدر اسلام و کمتر در طول زمان دیده می‌شود، «فرهنگ رزمندگی و جهاد» است. جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، می‌تواند جهاد تلقی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند. اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک‌وقت در میدان جنگ مسلحانه است که «جهاد رزمی» نام دارد؛ یک‌وقت در میدان سیاست است که «جهاد سیاسی» نامیده می‌شود؛ یک‌وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به «جهاد فرهنگی» تعبیر می‌شود و یک‌وقت در میدان سازندگی است که به آن «جهاد سازندگی» اطلاق می‌گردد. البته جهاد، با عنوانهای دیگر

و در میدانهای دیگر هم هست. پس، شرط اول جهاد این است که در آن، تلاش و کوشش باشد و شرط دومش اینکه، در مقابل دشمن صورت گیرد.

این نکته در فرهنگ اسلامی، نکته‌ی برجسته‌ای است، که گفتیم نمونه‌هایی هم در میدانهای مختلف دارد. در روزگار ما هم، وقتی ندای مقابله با رژیم منحوس پهلوی از حلقوم امام رضوان الله علیه و همکاران ایشان در سال ۱۳۴۱ بیرون آمد، جهاد شروع شد. پیش از امام هم، البته جهاد به صورت محدود و پراکنده وجود داشت که حائز اهمیت نبود. هنگامی که مبارزه‌ی امام شروع شد، جهاد اهمیت پیدا کرد تا اینکه به مرحله‌ی پیروزی خود، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی رسید. بعد از آن هم، تا به امروز، در این کشور جهاد بوده است. چون ما دشمن داریم. چون دشمنان ما، از لحاظ نیروی مادی، قوی هستند. چون اطراف و جوانب ما را، از همه جهت، دشمنان گرفته‌اند. آن‌ها در دشمنی با ایران اسلامی، جدی هستند و سر شوخی ندارند؛ چون می‌خواهند از هر راهی که شد ضربه بزنند. پس، در ایران اسلامی، هر کس به نحوی در مقابل دشمن - که از اطراف، تیرهای زهرآگین را به پیکر انقلاب و

کشور اسلامی، نشانه رفته است- تلاشی بکند، جهاد فی سبیل الله کرده است. بحمد الله، شعله‌ی جهاد بوده است و هست و خواهد بود.

البته یکی از جهادها هم «جهاد فکری» است. چون دشمن ممکن است ما را غافل کند، فکر ما را منحرف سازد و دچار خطا و اشتباهمان گرداند؛ هرکس که در راه روشنگری فکر مردم، تلاشی بکند، از انحرافی جلوگیری نماید و مانع سوءفهمی شود، از آنجا که در مقابله با دشمن است، تلاشش «جهاد» نامیده می‌شود. آن هم جهادی که شاید امروز، مهم محسوب می‌شود. پس، کشور ما امروز کانون جهاد است و از این جهت هیچ نگرانی‌ای هم نداریم... از این جهت، بنده که بیشتر سنگینی بارم این است که نگاه کنم بینم کجا شعله‌ی جهاد در حال فروکش کردن است و به کمک پروردگار نگذارم؛ بینم کجا اشتباه کاری می‌شود، جلوش را بگیرم- مسئولیت اصلی حقیر، همین‌هاست- از وجود جهاد در وضع کنونی کشور، نگران نیستم.^{۱۶}

۱۶. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) ۱۳۷۵/۰۳/۲۰

۲. عرصه‌های جهاد و کار جهادی

۲-۱. عرصه‌ی درونی (جهاد با نفس و ادای حق بندگی پروردگار)

برادران عزیز! تلاش، جهاد و مجاهدت، از همه پسندیده و زیباست؛ بخصوص از کسی که ابزار این کار در اختیار اوست و می‌تواند این جهاد را در بهترین جایگاه خود قرار دهد و از آن بهره‌برد. بهره‌ی مورد نظر چیست؟ آن بهره‌ی دو بخش دارد: یک بخش شخصی دارد که این اصل قضیه است. (این را توجّه کنید!) قسمت اعظم مجاهدت در راه خدا، برای شخص خود شماسست. «علیکم انفسکم لا یضرکم من ضلّ اذ اهدیتکم» اصل قضیه این است که ما باید به عنوان یک بنده‌ی خدا، از عهده‌ی بندگی خدا برآییم. یا می‌توانیم که در این صورت، سربلند و سعادت‌مند خواهیم شد؛ یا نمی‌توانیم که در این صورت، شقاوت است. تلاش و جهادی که می‌کنیم، سازندگی، خودسازی و دیگرسازی، که به دنبالشان می‌رویم، خدمتی که به خلق می‌کنیم، اقامه‌ی عدلی که می‌کنیم، حکومتی که به راه می‌اندازیم، همه در درجه‌ی اوّل، برای این است که پیشِ خدای متعال به عنوان یک بنده بتوانیم عرض کنیم: «پروردگارا! ما حقّ بندگی تو را تا حدّی که توانستیم به‌جا آوردیم.» در دعا هست که

«و جعل من منَّ به علی عبادہ فی کفاء لتعزیۃ حقّہ»... یعنی «اگر آنچه را خدا منت گذاشته و به ما داده است، به کار بیندازیم، کافی است که بتوانیم حقّی را که بر گردن ماست، ادا کنیم.» پس در درجه‌ی اول، تلاش مورد نظر است.^{۱۷}

۲-۲. عرصه‌ی بیرونی (جهاد مسلحانه، جهاد فرهنگی، جهاد علمی، جهاد مالی و اقتصادی و...)

کسی خیال نکند که جهاد- همان جهاد مسلحانه را می‌گوییم؛ نه جهاد علمی و مالی و اقتصادی و جهاد در سنگر سازندگی که همه در جای خود محفوظند و فضیلت دارند- تمام شده است. البته فضیلت جهاد مسلحانه با فضیلت‌های دیگر قابل مقایسه نیست. میدان این جهاد، میدان بازی است که خود این هم فرصت دیگری است. این‌ها نِعَم الهی هستند و شما باید از این فرصتها استفاده کنید...^{۱۸}

۱۷ . بیانات در دیدار فرماندهان رده‌های مختلف «سپاه پاسداران» ۲۹/۰۶/۱۳۷۳

۱۸ . بیانات در دیدار فرماندهان رده‌های مختلف «سپاه پاسداران» ۲۹/۰۶/۱۳۷۳

یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک وقت در میدان جنگ مسلحانه است که «جهاد رزمی» نام دارد؛ یک وقت در میدان سیاست است که «جهاد سیاسی» نامیده می شود؛ یک وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به «جهاد فرهنگی» تعبیر می شود و یک وقت در میدان سازندگی است که به آن «جهاد سازندگی» اطلاق می گردد. البته جهاد، با عنوانهای دیگر و در میدانهای دیگر هم هست.^{۱۹}

دفاع از اسلام، به دفاع از میهن اسلامی ختم نمی شود. ما در همه ی مرزهای اسلام با کفر، آماده ی دفاع و مجاهدتیم. البته، میدان چنین جهادی، وسیع تر و میدان داران آن، رجال سیاسی و علمی و فرهنگی و هنریند که همواره باید آماده ی دفاع از اسلام باشند.^{۲۰}

باید دانست که رحمت الهی و کمک الهی بستگی دارد به حرکت و تلاش انسان مؤمن؛ به عمل صالح او. باید در میدان باشیم، باید احساس وظیفه را فراموش نکنیم؛ مجاهدت را

۱۹. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) ۱۳۷۵ / ۰۳ / ۲۰

۲۰. پیام به مناسبت نهمین سالگرد جنگ تحمیلی ۱۳۶۸ / ۰۶ / ۳۰

فراموش نکنیم؛ جهاد در صحنه‌های مختلف، وظیفه‌ی ماست و ضامن پیشرفت و پیروزی ماست. در صحنه‌ی سیاسی هم جهاد هست، در صحنه‌ی فرهنگی هم جهاد هست، در صحنه‌ی تبلیغاتی و ارتباطاتی هم جهاد هست، در صحنه‌های اجتماعی هم جهاد هست. جهاد فقط جهاد نظامی نیست؛ انواع و اقسام عرصه‌های زندگی بشر، عرصه‌ی جهادند.^{۳۱}

۳. شاخصه‌های کار جهادی:^{۳۲}

ویژگیهای حرکت جهادی، توکل به خدا، اخلاص، باور عمیق به توانایی فردی، گروهی و ملی - اعتماد به جوانان، به کارگیری نیروهای مجرب، کار و تلاش بی‌وقفه و استفاده از

^{۳۱} بیانات در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (ع) ۱۳۸۶/۵/۲۸

^{۳۲} در موارد بسیاری رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی)، «کار جهادی» را با «کار بسیجی» و «کار انقلابی» معادل گرفته‌اند؛ نمونه‌های زیر از این دستند:

■ در سازندگی درونی به شکل جهادی، به شکل بسیجی، به شکل انسانهای انقلابی... حتی با دست خالی شرکت کنند. (سخنرانی در مراسم صبحگاه نظامی پایگاه منطقه‌ی دوم دریایی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۲)

همه ظرفیتها است. پیشرفتهای باور نکردنی ملت از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون به برکت روحیه و کار جهادی ممکن شده است و حفظ و استمرار همین روحیه، تحقق همه اهداف را امکان پذیر می کند.^{۲۳}

۱-۳. همراه با تلاش و مجاهدت است.

در مورد جهاد دانشگاهی من اعتقاد این است که این ترکیب - جهاد و دانشگاه - و تلفیق جهاد - که یک امر ارزشی معنوی است - با علم و دانش و با دانشگاه، دارای پیام است؛ نشان می دهد که می توان علم جهادی و نیز جهاد علمی داشت؛ این همان کاری است که شماها مشغولید. علم شما علم جهادی است؛ با جهاد و با اجتهاد همراه است؛ در یوزه گری و منتظر نشستن برای هدیه شدن علم از این سو و آن سو نیست؛ دنبال علم می روید تا آن را

■ ... یکی هم کارهای بزرگ و عظیمی است که شاید تحت یک آیین نامه و نظام نامه ای هم نیاید؛ بلکه حرکتی جهادی و بسیجی است. (سخنان رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از نخبگان حوزه علمیه قم، ۱۳/۰۹/۱۳۷۴)

۲۳. دیدار هزاران نفر از کشاورزان سراسر کشور با رهبر انقلاب ۱۴/۱۰/۱۳۸۴

به‌دست بیاورید؛ این علم جهادی و علم برخاسته‌ی از مجاهدت و اجتهاد و تلاش است. از طرفی شما مشغول جهاد هستید. جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس.^{۲۴}

یکی از کارهای اساسی ما... هم پرهیز از تنبلی و کم‌کاری است. کسالت، کم‌کاری و تنبلی، یک انسان را، یک خانواده را، یک کشور و یک ملت را تباه میکند. همه باید کار کنند؛ کار جهادی. این که ما امسال گفتیم جهاد اقتصادی، یعنی تحرک اقتصادی باید جهادگونه باشد.^{۲۵}

در سر راه انسان موانع وجود دارد. اساساً همین وجود مانع است که به تلاش انسان معنا و حقیقت معنوی می‌بخشد و اسمش میشود جهاد؛ و الا اگر مانع نبود، جهاد معنی نداشت. جهاد یعنی جد و جهد همراه با زحمت و چالش با موانع.^{۲۶}

۲۴. بیانات در دیدار هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳/۰۴/۰۱

۲۵. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۴/۱۱/۱۳۹۰

۲۶. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۴/۰۲/۱۳۸۷

۲-۳. در مقابله با دشمن است.

جهادی عمل کردن، مفهوم خاصی دارد. هر جور کاری، جهادی نیست. جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکی‌اند؛ یعنی در آن معنای جهد و کوشش وجود دارد؛ اما جهاد فقط این نیست؛ جهاد یعنی مبارزه؛ مبارزه‌ی در همین اصطلاح متعارف فارسی امروز ما. مبارزه انواع و اقسامی دارد: مبارزه‌ی علمی داریم، مبارزه‌ی مطبوعاتی داریم، مبارزه‌ی سیاسی داریم، مبارزه‌ی اقتصادی داریم، مبارزه‌ی نظامی داریم، مبارزه‌ی آشکار داریم، مبارزه‌ی پنهان داریم؛ اما یک نقطه‌ی مشترک در همه‌ی این‌ها وجود دارد و آن اینکه در مقابل یک خصم است؛ در مقابل یک مانع است. مبارزه با دوست معنی ندارد؛ مبارزه در مقابل یک دشمن است.

فرض کنید در دوران اختناق، کسی هر هفته مثلاً پنج تا کتاب می‌خواند؛ خیلی کار بود؛ اما لزوماً مبارزه نبود؛ جهد بود، جهاد نبود. اگر می‌خواست جهاد باشد، باید کتابی را می‌خواند که

در حرکت او در مواجهه‌ی با رژیم طاغوت و رژیم اختناق، تأثیر داشت؛ آن وقت می‌شد جهاد. خاصیت جهاد این است.^{۲۷}

ما دشمن داریم. چون دشمنان ما، از لحاظ نیروی مادی، قوی هستند. چون اطراف و جوانب ما را، از همه جهت، دشمنان گرفته‌اند. آن‌ها در دشمنی با ایران اسلامی، جدی هستند و سرِ شوخی ندارند؛ چون می‌خواهند از هر راهی که شد ضربه بزنند. پس، در ایران اسلامی، هرکس به نحوی در مقابل دشمن - که از اطراف، تیرهای زهرآگین را به پیکر انقلاب و کشور اسلامی، نشانه رفته است - تلاشی بکند، جهاد فی سبیل الله کرده است.^{۲۸}

معارضه‌ی سیاسی و فرهنگی دولتها، بخش کوچک معارضه با جمهوری اسلامی است. بخش مهم‌تر، معارضه‌ی فرهنگی غرب با نظام جمهوری اسلامی است که یک معارضه‌ی عمیق و بلند مدت است. ایستادگی در مقابل این‌ها روح حسینی می‌خواهد. آن کسانی که

۲۷. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان ۱۳۸۶/۰۴/۲۵

۲۸. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله) ۱۳۷۵/۰۳/۲۰

امروز در مقابل تهاجم و توطئه آفرینی‌های دشمنان ما در جبهه‌ی استکبار، در کار جهادی و سیاسی ایستادگی می‌کنند، کار حسین بن علی علیه‌السلام را می‌کنند... اگر کسی اهل دین خدا هم نباشد، برای خدا کاری نخواهد کرد؛ همین قدر بخواهد که این خانه برای اهل آن سالم و پابرجا بماند. چنین کسی هم باید بداند که جز با ایستادگی پارسایانه و شجاعانه در مقابل دشمن، امکان‌پذیر نیست. دشمن لحظه‌ای غافل نیست و هر کاری بتواند می‌کند.^{۲۹}

ملاک در صدق جهاد این است که این حرکتی که انجام می‌گیرد، جهت‌دار و مواجه با موانعی باشد که همت بر زدودن این موانع گماشته می‌شود؛ این می‌شود مبارزه. جهاد یعنی یک چنین مبارزه‌یی، که وقتی دارای جهت و هدف الهی بود، آن وقت جنبه‌ی تقدس هم پیدا می‌کند. شما مبارزه‌ی علمی می‌کنید؛ زیرا این کار شما به‌طور واضح دشمنان بسیار سرسختی دارد که نمی‌خواهند این حرکت علمی و تحقیقی انجام بگیرد. لذا به نظر من جهاد دانشگاهی فقط یک نهاد نیست، بلکه یک فرهنگ است؛ یک سمت‌گیری و حرکت است.

۲۹. بیانات پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۲۴ / ۰۹ / ۱۳۷۵

هرچه بتوانیم ما این فرهنگ را در جامعه گسترش دهیم و آن را پایدار و استوار کنیم، کشور را به سمت سربلندی و عزت و استقلال حقیقی بیشتر پیش برده‌ایم.^{۳۰}

وقتی که راجع به سلولهای بنیادی شبیه‌سازی و این‌طور کارها آقایان حرف زدید و بنده یا دیگری هم تجلیلی از این کار کردند، مقامات امریکایی اعلام کردند که برای علوم ژنتیک هم باید شورای حکامی به وجود بیاید! این معنایش چیست؟ دشمن از اینکه شما در این رشته دارید حرکت می‌کنید، دردش آمده است. مثالهای واضحش را عرض می‌کنم؛ هزاران مثال دارد. آن‌روزی که شما مثلاً بتوانید آن‌چنان راداری بسازید که از هیچ نقطه از فضای آسمان این کشور، هیچ جنبنده‌ای نتواند وارد شود، آن روز دشمن دردش می‌آید؛ یعنی این تیری است که مستقیم می‌خورد به دشمن. این، می‌شود جهاد.

در حرکت جهادی، در علم جهادی، در تحقیق جهادی، این عنصر حتماً شرط است. دشمن هم مقصود آمریکا نیست. حالا ما در مقام صحبت، دشمن واضحمان آمریکا و استکبار جهانی

۳۰. بیانات در دیدار هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳/۰۴/۰۱

است. نه، دشمن‌ها انواع و اقسامی دارند. یک‌وقت یک کارتل بزرگ مالی و اقتصادی از اینکه شما بتوانید مثلاً کارخانه‌ی سیمان بسازید، ناراحت می‌شود؛ مانع‌تراشی می‌کند؛ نمی‌گذارد، که الآن در گزارشهایی که در اینجا به من دادند، از جمله همین مسئله بود. دلشان می‌خواهد یک شورای حکام هم درست کنند برای ساخت سیمان، که هرکس حق نداشته باشد کارخانه‌ی سیمان بسازد یا تولید سیمان کند.^{۳۱}

۳-۳. با همت بزرگ، ایمان عمیق (به خداوند، پاداش الهی و کار) و همراه با قصد خالص است.

کارهای بزرگ، به همت‌های بزرگ و به ایمان‌های عمیق - ایمان به کار، ایمان به مردم و پشت سر و مهم‌تر از همه‌ی این‌ها، ایمان به خداوند و پاداش الهی - احتیاج دارد و یک کار جهادی لازم است؛ جهاد یعنی همین.^{۳۲}

۳۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان ۱۳۸۶/۰۴/۲۵

۳۲. بیانات در دیدار با کشاورزان، به مناسبت هفته‌ی کشاورزی ۱۳۸۰/۱۰/۱۲

امسال سال جهاد اقتصادی است. جهاد اقتصادی متوجه یک نکته‌ی اساسی است در مسئله‌ی اداره‌ی کشور و مدیریت کشور... پس جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه، همین پیکار، منتها جهادگونه، با همه‌ی توان، با همه‌ی وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرتِ اینکه داریم چه کار میکنیم. سال جهاد اقتصادی معنایش این است. بخشهای اقتصادی کشور در همه‌ی قسمتهای دولتی و غیر دولتی اگر به توفیق الهی پایبند به این مجاهدت باشند، یک جهش به وجود خواهد آمد.^{۳۳}

۳-۴. هدفمند و متوجه به آرمان‌هاست.

کار جهادی باید هدفمند، درست متوجه به آرمان‌ها و هوشمندانه و عاقلانه و دشمن‌شکن باشد. یعنی به همان معنایی که ما مبارزه را در اصطلاح معمولی به کار می‌بریم: «دارم مبارزه

۳۳. بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور ۱۳۹۰/۰۲/۰۷.

می‌کنم؛ این یک مبارزه است.» این، یک تعبیر مصطلح است. در جهاد، این معنا هست. این، تعریف بخش جهاد.^{۳۴}

۳-۵. متکی به عشق و شوق و بدون انتظار فراهم آمدن همه‌ی جزئیاتی است که برای آدم‌های معمولی لازم و مؤثر است.

نیروهای مسلح باید در سازندگی شرکت کنند. اولاً در سازندگی درونی به شکل جهادی، به شکل بسیجی، به شکل انسانهای انقلابی، بدون انتظار فراهم آمدن همه‌ی جزئیاتی که برای آدم‌های معمولی لازم و مؤثر است، سر از پا نشناخته، عاشقانه، با جوشش ابتکار و استعداد، بدون اینکه گفته شود این را نداریم و آن را نداریم، حتی با دست خالی شرکت کنند. سازندگی، آنجا که متکی به عشق و شوق و ابتکار و خلاقیت انسانها باشد، با همه‌ی

۳۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان ۱۳۸۶/۰۴/۲۵

فقدها و نداشتن‌ها هم میسر است. ما بحمد الله دچار نداشتن هم نیستیم. ما می‌خواهیم بجوشیم. ما می‌خواهیم استعدادها بروز کند.^{۳۵}

۳-۶. هوشمندانه، عاقلانه، بابصیرت و در چهارچوب قانون است.

کار جهادی باید هدفمند، درست متوجه به آرمان‌ها و هوشمندانه و عاقلانه و دشمن‌شکن باشد.^{۳۶}

در زمینه‌ی خدمت، کار را باید جهادی کرد؛ جهادی به معنای بی‌قانونی نیست. دوستانی که ما سالها با خیلی از شماها کار کردیم - با بسیاری از شما برادرها در زمینه‌های مختلف همکاری داشتیم - میدانید روحیه‌ی من را، من آدم دعوت‌کننده‌ی بی‌قانونی نیستم؛

۳۵. سخنرانی در مراسم صبحگاه نظامی پایگاه منطقه‌ی دوم دریایی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در بوشهر ۱۲/۱۰/۱۳۷۰

۳۶. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان ۲۵/۰۴/۱۳۸۶

بشدت ضدّ این بی‌قانونی هستیم، اما معتقدم در همان چهارچوب قانون، دو جور میشود کار کرد: یک کار کار مرسوم اداری، یک کار کار جهادی. کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمانها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است. کار را باید جهادی انجام داد تا ان شاءالله خدمت بخوبی انجام بگیرد.^{۳۷}

جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه، همین پیکار، منتها جهادگونه، با همه‌ی توان، با همه‌ی وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرت اینکه داریم چه کار می‌کنیم... اگر به توفیق الهی پایبند به این مجاهدت باشند، یک جهش به وجود خواهد آمد.^{۳۸}

۳۷. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۲/۰۶/۰۶.

۳۸. بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور ۱۳۹۰/۰۲/۰۷.

۷-۳. با بهره‌گیری از تخصص، تجربه و کارایی است.

این کار، احتیاج دارد به اینکه در داخل این مجموعه، ایمان و تخصص و تجربه و کارایی و انگیزه و خلاصه کارِ جهادی تحقق پیدا کند.^{۳۹}

۸-۳. با جوشش ابتکار، بروز استعداد و با تکیه بر توان خودی است.

جهادی حرکت کنید. ما از اول انقلاب، هر کار بزرگی که توانسته‌ایم انجام بدهیم، به برکت اعتماد به نفس و بلندپروازی و کار جهادی بوده است. جوانانِ جهاد سازندگی آن روزی کارهای بزرگ را در این کشور شروع کردند که حتی آن کسانی که جلوی چشمشان این کارهای بزرگ انجام می‌گرفت، باور نمی‌کردند که جوان ایرانی قادر به این کارهاست. در دوران رژیم طاغوت، گندم را از امریکا می‌خریدند و سیلو را روس‌ها برایشان می‌ساختند؛ آن‌ها سیلو را هم نمی‌توانستند بسازند! باید روس‌ها می‌آمدند؛ این صنعت در ایران نبود. در

۳۹. بیانات در دیدار با کشاورزان، به مناسبت هفته‌ی کشاورزی ۱۲/ ۱۰/ ۱۳۸۰

سال‌های اول انقلاب، این جوانان جهاد دانشگاهی آمدند و گفتند امام دستور داده‌اند مردم گندم بکارند؛ خوب، گندم سیلو لازم دارد؛ در خانه‌ی چه کسی برویم، جز در خانه‌ی همت و ابتکار خودمان؛ شروع کردند. افرادی می‌دیدند که این سیلو بالا می‌رود- البته در روز اول، با ظرفیت کم- اما باور نمی‌کردند! و امروز کشور ما یکی از کشورهای مطرح از لحاظ سیلوسازی در دنیاست؛ به برکت همین جوان‌ها. کار جهادی، این است. در هر بخشی از بخش‌های گوناگون صنعتی و فنی و علمی و تحقیقاتی که ما با روحیه‌ی جهادی وارد شدیم، پیش رفته‌ایم. روحیه‌ی جهادی یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به اینکه «ما می‌توانیم»؛ و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه‌ی ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها. الآن در همین بخش انرژی هسته‌یی که این همه دنیای استکبار را سراسیمه کرده، اکثر کسانی که در آنجا مشغول کار هستند، جوان‌های تحصیل کرده‌اند؛ صدها جوان کم‌سال و تحصیل کرده، این چرخ را می‌چرخانند و این عزت را برای کشور پدید آورده‌اند. در همه‌ی بخش‌ها همین‌طور است. به نیروهای بااستعداد، چه از جوان‌ها باشند و چه از انسان‌های باتجربه،

اعتماد کنند. اعتماد به این افراد و توکل به خدای متعال و اخلاص نیت برای خدا، اساس کار است.^{۴۰}

چند روز قبل گزارشی راجع به تولید و تکثیر و انجماد سلولهای بنیادی به من دادند. این یک کار بسیار عظیم و پیچیده‌ی علمی است که در معدودی از کشورهای دنیا انجام گرفته است. در کشور ما این کار بی‌سروصدا اتفاق افتاده و هنوز اعلان هم نشده است. به نظر من اهمیت این کار کمتر از کار هسته‌ای که ما کردیم، نخواهد بود. این کار در آینده‌ی پزشکی دنیا ارزش زیادی دارد و دنیا از آن به عنوان یک انقلاب پزشکی نام می‌برد. یک «گروه جوان مؤمن انقلابی و واقعاً جهادی»^{۴۱} که از همین بچه‌های جهاد دانشگاهی هستند، راجع به این مسئله چند سال کار کرده‌اند و به نتایج خوبی رسیده‌اند- البته باید کار ادامه پیدا کند تا به آن نتایج نهایی‌اش برسد.^{۴۲}

۴۰. بیانات در دیدار کشاورزان ۱۴/۱۰/۱۳۸۴

۴۱. پژوهشگران موسسه رویان

۴۲. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۵/۰۶/۱۳۸۲

ج) مدیریت جهادی

در اداره کشور باید روحیه خدمت به مردم با نیت خدایی و با تکیه بر علم و درایت یا همان روحیه‌ی مدیریت جهادی حاکم باشد تا بتوان از مشکلات عبور کرد و به پیش رفت.

اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور، در شرایط کنونی فشارهای خباثت آمیز قدرتهای جهانی و در شرایط دیگر، قابل حل است و کشور حرکت رو به جلو را ادامه خواهد داد.^{۴۳}

... نکته‌ی چهارم، رویکرد جهادی است که در این سیاستها مورد ملاحظه قرار گرفته؛ همت جهادی، مدیریت جهادی. با حرکت عادی نمی‌شود پیش رفت؛ با حرکت عادی و احياناً خواب آلوده و بی‌حساسیت نمی‌شود کارهای بزرگ را انجام داد؛ یک همت جهادی لازم است،

۴۳. دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران با رهبر انقلاب ۱۳۹۲/۱۰/۲۳

تحرك جهادى و مديريت جهادى براى اين كارها لازم است. بايد حركتى كه مى‌شود، هم علمى باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد، و هم مجاهدانه باشد.^{۴۴}

در نگاه به سال ۹۳ آنچه به نظر اين حقير مهم‌تر از همه است، دو مسئله است: يك مسئله همين مسئله اقتصاد و ديگرى مسئله فرهنگ است. در هر دو عرصه و در هر دو زمينه توقعى كه وجود دارد، تلاش مشتركى است ميان مسئولان كشور و آحاد مردم. آنچه براى بناى زندگى و سازندگى آينده مورد انتظار است، بدون مشاركت مردم تحقق‌پذير نيست. بنابراين علاوه بر مديريتى كه مسئولين بايد انجام بدهند، حضور مردم در هر دو عرصه لازم و ضرورى است؛ هم عرصه اقتصاد، هم عرصه فرهنگ. بدون حضور مردم كار پيش نخواهد رفت و مقصود تحقق پيدا نخواهد كرد. مردم در گروه‌هاى گوناگون مردمى با اراده و عزم راسخ مى‌توانند نقش‌آفرينى كنند. مسئولين هم براى اينكه بتوانند كار را به درستى پيش ببرند، احتياج به پشتيبانى مردم دارند. آنها هم بايستى با توكل به خداى متعال و با

۴۴. بيانات در جلسه تبين سياست‌هاى اقتصاد مقاومتى ۲۰/۱۲/۱۳۹۲

استمداد از توفیقات و تأییدات الهی و کمک مردمی، مجاهدانه وارد میدان عمل بشوند؛ هم در زمینه‌ی اقتصاد و هم در زمینه‌ی فرهنگ. من ان شاء الله توضیح همه‌ی این موارد را در سخنرانی روز جمعه به عرض ملت ایران خواهم رساند. لذا به گمان من آنچه در این سال جدید پیش رو داریم، عبارت است از اقتصادی که به کمک مسئولان و مردم شکوفایی پیدا کند، و فرهنگی که با همّت مسئولان و مردم بتواند سمت و سوی حرکت بزرگ کشور ما و ملت ما را معین کند. لذا من شعار امسال را و نام امسال را این قرار دادم: «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملّی و مدیریت جهادی».^{۴۵}

۴۵. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۳